

تعهد دولت‌ها به ایمن و پایدارسازی سکونت‌گاه‌ها در مقابله با تغییرات اقلیمی در چارچوب حقوق بین‌الملل

مریم اسلامی فرد^۱

فارغ‌التحصیل رشته‌ی حقوق بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی ره

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۶

چکیده

پژوهش حاضر به موضوع تعهد دولت‌ها به ایمن و پایدارسازی سکونت‌گاه‌های انسانی در مقابله با تغییرات اقلیمی در چارچوب حقوق بین‌الملل می‌پردازد. هدف از نگارش این پژوهش تبیین تعهدات حقوقی دولت‌ها به ایمن و پایدارسازی سکونت‌گاه‌ها در مقابله با تغییرات اقلیمی در چارچوب حقوق بین‌الملل است. این پژوهش به صورت کیفی، تحلیلی، توصیفی و به صورت کتابخانه‌ای انجام گرفته است. تغییرات اقلیمی از جمله عواملی است که از دهه‌ها قبل پایدارسازی سکونت‌گاه‌ها را با چالش روبه‌رو ساخته و خسارات بسیاری را به محیط زیست بشر وارد آورده است. بنابراین دولت‌ها در قالب معاهدات و کنوانسیون‌های زیست محیطی سعی در کنترل این پدیده نموده‌اند. گرچه کنوانسیون‌ها و اسناد حقوقی بسیاری به تعهدات دولت‌ها به پایدارسازی سکونت‌گاه‌ها در مقابله با تغییرات اقلیمی و همچنین کاهش بلایای طبیعی که همگی سکونت‌گاه‌های انسانی را دچار چالش می‌سازد، تاکید نموده‌اند و هر یک از دولت‌های عضو تعهداتی را جهت مقابله و کنترل تغییرات اقلیمی و کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و از طرفی سازگاری محیط‌زیست بشری با پدیده تغییرات اقلیمی همچون ایمن‌سازی سکونت‌گاه‌ها و اماکن بشری عهده‌دار شدند، اما به دلیل ویژگی غیرالزام‌آوری‌شان چندان مورد توجه دولت‌ها نیستند. اما در هر صورت می‌توانند به عنوان سازوکاری موثر در کنترل تغییرات اقلیمی و ایمن نمودن سکونت‌گاه‌ها مثر ثمر باشند.

کلیدواژه‌ها: سکونت‌گاه‌های انسانی، تعهد دولت‌ها، تغییرات اقلیمی، حقوق بین‌الملل، توسعه پایدار.

مقدمه

سکونت‌گاه محلی است که افراد در آن زندگی می‌کنند و به کل جامعه انسانی با تمام عناصر اجتماعی، مادی، سازمانی، معنوی و فرهنگی اشاره دارد. هر نوع مسکن انسانی، از کوچکترین خانه گرفته تا بزرگترین شهر جایی که گروهی از مردم در آن زندگی می‌کنند و اهداف زندگی خود را دنبال می‌کنند می‌تواند به عنوان اسکان شناخته شود. (Jelena zivkovic, 2018) رشد و توسعه جوامع انسانی برحسب زمان و مکان و با توجه به زیست و فعالیت در فضاهای سکونت‌گاهی، برنامه‌ریزی و توسعه سکونت‌گاهی مفهوم و مصداق پیدا می‌کند. اساساً حوزه‌های سکونت‌گاهی به عنوان قاعده نظام سکونت و فعالیت ملی نقش اساسی در توسعه ایفا می‌کند چرا که توسعه پایدار سرزمین در گرو پایداری نظام سکونت‌گاه‌های انسانی به عنوان زیرنظام تشکیل دهنده نظام سرزمین است. پایداری فضاهای سکونت‌گاهی در ابعاد مختلف می‌تواند نقش موثری در توسعه منطقه‌ای و ملی داشته باشد. (پورطاهری، ۵۴۱۳۹۱) توسعه نیافتگی نواحی سکونت‌گاهی و عدم توجه مناسب به سکونت‌گاه‌های انسانی در نظام کلان از یکسو و لزوم تعادل بخشی به نواحی و مراکز سکونت‌گاهی در برخورداری از مواهب توسعه و خدمات مطلوب جهت رفع نیازهای آنها از سوی دیگر، لزوم مداخله در سکونت‌گاه‌های انسانی را توسط دانش جغرافیای جدید با توجه به ماهیت کارکردی آن فراهم کرده است. با توجه به اینکه مناطق و نواحی سکونت‌گاهی، به خصوص در کشورهای جهان سوم از جریان توسعه بازمانده‌اند، ایجاد تعادل و برابری فضایی و احیای نقش آنان در جریان توسعه ملی یکی از وظایف دانش جغرافیای جدید، به عنوان دانشی که به طور مستقیم در نظم بخشی این فضاها اثرگذار می‌باشد، شناخته شده است. (رحمانی فضلی، صادقی، ۱۳۹۲: ۸)

توسعه پایدار سکونت‌گاهی. از نظر اندیشمندان معاصر یک وضعیت حقوقی مبهم است و به نوعی اجماع دولت‌ها به یک قاعده نهایی حقوق بین‌الملل است. (کشاورز و دیگران، ۱۳۹۹: ۳۲۷) اما هماهنگی با محیط زیست، حفظ کیفیت هوا، آب، پوشش گیاهی جنگل‌ها و خاک در استانداردهای کافی برای حفظ انسان است. (برنامه اسکان بشری ۱۹۹۶) تغییرات اقلیمی چالش عظیمی در مقابل توسعه پایدار است و اثرات نامطلوب آن توانایی تمام کشورها جهت تحقق توسعه پایدار را تحلیل می‌برد. افزایش دمای جهانی، بالا رفتن سطح دریاها، اسیدی شدن اقیانوس‌ها و سایر پیامدهای اقلیمی به شدت مناطق ساحلی و کمتر توسعه یافته و کشورهای جزیره‌ای در حال توسعه را تهدید می‌کند. از این رو پایداری و ایمنی در مقابل پدیده‌های طبیعی فکر بشر را به خود مشغول کرده است. از این رو کاهش آسیب پذیری سکونت‌گاه‌ها در برابر حوادث طبیعی بویژه زلزله و سیل به عنوان یکی از اهداف اصلی برنامه‌ریزی شهری و طراحی شهری در ایران و در سطح بین‌الملل محسوب می‌شود. (حیدریان، ۱۳۸۴: ۹۹)

در رابطه با پایداری سکونت‌گاه‌ها پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته است که اغلب آن‌ها حول محور تامین مسکن مناسب برای قشر آسیب‌پذیر و پایداری اماکن بشری در برابر حوادث طبیعی می‌پردازند، که هدف آنها یافتن راه‌حلی برای چالش‌های سکونت‌گاه‌های فرسوده و غیررسمی است که در سطح ملی و اغلب به صورت پراکنده در سطح بین‌المللی بررسی شده است. اما پژوهش حاضر به تعهد دولت‌ها در پایداری و ایمن‌سازی

سکونت‌گاه‌ها در مقابله با تغییرات اقلیمی در چارچوب حقوق بین‌الملل سعی بر آن دارد تا بعد حقوقی تعهد دولت‌ها را در پایدارسازی سکونت‌گاه‌ها بررسی نماید. مهم‌ترین هدف پژوهش حاضر تبیین تعهد دولت‌ها به ایمن و پایدارسازی سکونت‌گاه‌ها در مقابله با تغییرات اقلیمی در چارچوب حقوق بین‌الملل می‌پردازد. مهم‌ترین سوالاتی که در این مورد به وجود می‌آید آن است که دولت‌ها چه تعهداتی در ایمن و پایدارسازی سکونت‌گاه‌های انسانی در مقابله با تغییرات اقلیمی از دیدگاه حقوق بین‌الملل برعهده دارند؟ و اینکه چارچوب حقوقی حاکم بر تغییرات اقلیمی چگونه تعهدات ملی دولت‌ها در زمینه ایمن و پایدارسازی سکونت‌گاه‌های انسانی را متأثر می‌سازد؟ در این راستا فرضیه‌هایی وجود دارند از جمله:

الف) تعهدات اصولی مندرج در کنوانسیون چارچوب ملل متحد (۱۹۹۲)، پروتکل کیوتو (۱۹۹۷)، کنوانسیون پاریس (۲۰۱۵) در زمینه تغییرات اقلیمی که متضمن تعهداتی الزام آور و اقداماتی داوطلبانه است، دولت‌ها را متعهد به کاهش میزان انتشار و بالتیجه تسهیل اجرای تعهدات عرفی و قراردادی در زمینه ایمن‌سازی سکونت‌گاه‌های انسانی می‌کند.

ب) تورم هنجاری اسناد غیرالزام‌آور، فقدان سندالزام‌آور و فراگیر حقوقی، عدم توجه دولت‌ها به مفاد چارچوب سندای در زمینه کاهش بلایای طبیعی (۲۰۱۵) و عدم تصریح به تعهداتی در این زمینه در کنوانسیون‌های الزام آور تغییرات اقلیمی مهم‌ترین چالش حقوقی ایمن‌سازی سکونت‌گاه‌های انسانی در حقوق بین‌الملل است. روش انجام این پژوهش به صورت کیفی، کتابخانه‌ای، تحلیلی و توصیفی است. این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای انجام می‌گیرد. بنابراین ابتدا با استفاده از کتب، مقالات و منابع الکترونیکی و اینترنتی موجود مطالب مورد استفاده را پیدا کرده و سپس به روش تحلیلی-توصیفی به بررسی و تدوین مطالب می‌پردازیم.

روش این پژوهش، روش توصیفی-تحلیلی است. منظور از روش تحلیلی، روش فلسفی تحلیل زبان نیست، بلکه در این روش اطلاعاتی که از طریق بررسی سندها و مدارک و کتاب‌ها به دست آمده است به گونه‌ای سازمان داده می‌شود که بتوان پرسش‌های پژوهشی را پاسخ داد به گونه‌ای که مورد رد یا تأیید قرار گیرد و یا دیدگاه و نظریه‌ای را توصیف نماید. در این تحقیق از روش سندکاوی (مطالعه ای-اسنادی) که یکی از مهم‌ترین مراحل در جمع‌آوری اطلاعات برای انجام تحقیق است، استفاده شده است. از مهم‌ترین ابزار مورد استفاده در این پژوهش، مقالات لاتین و منابع کتابخانه‌ای موجود است که باید مورد ترجمه، تحلیل و تدوین گردند.

مبانی نظری

پایداری و ایمنی در مقابل پدیده‌های طبیعی و اقلیمی همیشه فکر بشر را به خود مشغول کرده است. در واقع آنچه که زلزله و سیل را به عنوان تهدید مطرح می‌کند، عدم آمادگی بشر در مقابله با آن است. از این‌رو کاهش آسیب‌پذیری سکونت‌گاه‌ها در برابر حوادث طبیعی بویژه، زلزله و سیل به عنوان یکی از اهداف اصلی برنامه‌ریزی شهری و و طراحی شهری در ایران و در سطح بین‌الملل محسوب می‌شود. (حیدریان، ۱۳۸۴: ۹۹)

از طرف دیگر، بلایای اتفاق افتاده در سالیان اخیر بیانگر این موضوع است که برخی سکونت‌گاه‌های به صورت فرآیندهای آسیب‌پذیرتر شده و ریسک‌ها نیز افزایش یافته است. افزایش آسیب‌پذیری سکونت‌گاه‌ها، باعث خسارات و تلفات جانی و مالی زیادی می‌شود. این موضوع در سکونت‌گاه‌های غیر رسمی با توجه به ویژگی‌های ساخت و شکل‌گیری این سکونت‌گاه‌ها از درجه و شدت آسیب‌پذیری بیشتری برخوردار است. بررسی میزان آسیب‌ها و صدمات بطور مستقیم و غیرمستقیم به وضعیت نامطلوب برنامه‌ریزی و طراحی سکونت‌گاه‌ها مربوط می‌شود. لذا می‌توان با اصلاح وضعیت شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری آسیب‌پذیری سکونت‌گاه‌ها را در برابر زلزله به میزان زیادی کاهش داد. بنابراین نقش عملکردها و برنامه‌ریزی‌های بین‌المللی ایجاد شده در کاهش آسیب‌پذیری سکونت‌گاه‌های غیررسمی با رویکرد یکپارچه‌سازی همراه است. (حیدریان، ۱۳۸۴: ۹۹)

تا ابتدای دهه ۱۹۷۰، تحت تاثیر نگرش لیبرالی، حداقل دخالت دولت در امر مسکن و همچنین پدیده اسکان غیررسمی دستور کار بسیاری از دولت‌ها بود. نادیده گرفتن غالباً بر این فرض استوار بود که بسیاری از این سکونت‌گاه‌ها اجتناب‌ناپذیرند. اما پدیده‌های گذرا هستند که با توسعه اقتصادی و به مرور زمان مشکل آنها برطرف خواهد شد.

انتقادهای وارد بر رویکرد خودیاری در دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی، بسیاری از دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی را بر آن داشت که به مسئله مالکیت و امنیت تصرف در سکونت‌گاه‌های رسمی و غیررسمی توجه بسیاری را مبذول کنند. اما قوانین رسمی بین‌المللی برای ایمن‌سازی از سکونتگاه‌ها شامل موارد زیر می‌شود:

الف) تنظیم اسناد بین‌المللی و ملی در ایمن‌سازی سکونت‌گاه‌ها: سند موجب آزادسازی قدرت اقتصادی مردم می‌شود. سکونت‌گاه‌هایی که سند ندارد، از دید اقلیم‌شناسان سرمایه‌مردم است. سند باعث گرفتن وام برای افراد می‌شود و با استفاده از آن می‌توانند به ایمنی و ساخت و ساز ایمنی‌تر در سکونت‌گاه‌ها پردازند.

ب) تنظیم و ارتقای امنیت تصرف در سکونت‌گاه‌ها، که باید بخشی از اقدامات به هم پیوسته باشد که در آن ایجاد فرصت برای دسترسی به فرصت‌های شغلی، ارائه خدمات پایه و خدمات شهری و گزینه‌های مناسب قانونی برای پاسخگویی به نیازهای همه گروه‌ها به خصوص فقرا، مد نظر قرار گیرد. (payne, 2014:198)

ج) پریو و کریسول با بررسی سکونت‌گاه‌های غیررسمی شهر مترومالینا به این نتیجه رسیدند علاوه بر موارد نام برده شده، متغیرهای دیگری همانند خدمات پایه و زیرساختی محله (مثل ایجاد مراکز سلامت، زمین بازی برای کودکان) و فرصت‌های شغلی در افزایش ایمنی تصرف سکونت‌گاه‌ها موثر است.

د) در انتها به این نتیجه رسیدند که برای رسیدن به ایمنی تصرف سکونت‌گاه‌ها بایستی برنامه‌های مسکن به سمت کاهش فقر و ارائه خدمات زیربنایی در سکونت‌گاه‌های غیررسمی سوق داد. (porio, 2016:77)

ذ) ناکامورا با مطالعات انجام داده در نواحی سکونت‌گاه‌های فقیرنشین شهر پونه به این نتیجه می‌رسد که به منظور ارتقای ایمنی تصرف می‌بایست در کنار ابزارهای حقوقی و قانونی از ابزارهای عرفی یا فراقانونی نیز استفاده کرد. بهبود کیفیت زندگی و افزایش دسترسی به زیرساخت‌ها و خدمات سکونت‌گاه‌ها موجب ارتقای ایمنی تصرف در میان ساکنان پونه شده و بر میزان انگیزه آنها برای سرمایه‌گذاری در مسکن (بهبود شرایط فیزیکی فعلی) افزوده

است. (Nakamura, 2016:66) بر این اساس، ایمنی و امنیت صرف از بعد صرفاً قانونی خارج شده و مشخص شد که شاخص‌هایی عرفی و فراقانونی وجود دارند که می‌توانند به مرور زمان میزان ایمنی و امنیت تصرف سکونت‌گاه‌های غیررسمی را افزایش دهند.

به هر حال، امروزه تعهدات حقوقی بین‌المللی و ملی حکایت از لزوم توجه جدی‌تر به اسناد بین‌المللی، شاخص‌های اسناد بین‌المللی به ویژه آرمان‌های توسعه پایدار و همچنین مقررات ملی در زمینه ایمن‌سازی و پایدارسازی سکونت‌گاه‌هاست. از این منظر علاوه بر اسناد و رویه بین‌المللی، لازم است تا قوانین مصوب در این زمینه نیز به طور جدی مورد توجه قرار گیرد که عبارتند از:

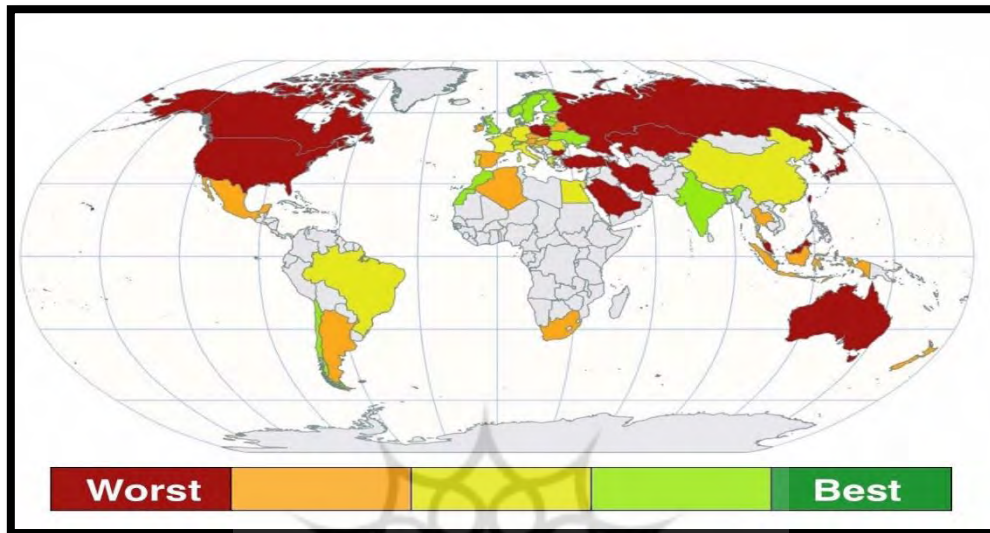
- قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن
- تصویب نامه راجع به سند توانمندسازی و ساماندهی سکونت‌گاه‌های غیررسمی
- آیین‌نامه نحوه فعالیت ستاد استانی توانمندسازی و ساماندهی سکونت‌گاه‌های غیررسمی
- مصوبات هیات وزیران راجع به جمع‌آوری انشعاب آب، برق، گاز و تلفن سکونت‌گاه‌ها.
- بخشنامه وزارت نیرو در خصوص جمع‌آوری انشعاب غیرمجاز سکونت‌گاه‌های غیررسمی
- بند ج ماده ۱۶۶ تفیذی قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، موضوع ماده ۱۱۵ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران.

محدوده مطالعاتی

با آغاز انقلاب صنعتی در سال ۱۸۳۰ میلادی و رشد روزافزون تحولات بشری، تغییرات گوناگونی نیز در زندگی انسان‌ها رخ داده است. نیاز روزافزون بشر به انرژی و مصرف انواع سوخت‌های فسیلی نظیر زغال سنگ، نفت و گازهای طبیعی باعث افزایش شدید موادی نظیر دی‌اکسیدکربن و بخار آب در جو شده است. پدیده تغییر آب‌وهوا که عمدتاً مربوط به افزایش گازهای گلخانه‌ای در جو است از مثال‌های بارز خطرات ناشی از صنعتی شدن دنیاست چرا که رهایی بیش از حد گازهای گلخانه‌ای نظیر دی‌اکسید کربن، اکسید نیترو، متان و ... در جو توسط انسان‌ها باعث بهم خوردن توازن انرژی زمین شده است. در طول ۱۰۰ سال گذشته، کره زمین به طور غیر طبیعی گرم‌تر شده و این موضوع دانشمندان را نگران کرده است. دانشمندان انتظار دارند که در طول ۱۰۰ سال آینده متوسط دمای زمین ۱/۵ تا ۳/۵ درجه سانتیگراد افزایش یابد. شاید فکر کنیم «این که چیزی نیست»، اما همین مقدار می‌تواند آب و هوای زمین را به طور بی‌سابقه‌ای تغییر دهد. زمانی که این پدیده رخ دهد، ممکن است تغییرات بزرگی در سطح آب اقیانوس‌ها، مزارع کشاورزی و هوایی که تنفس می‌کنیم یا آبی که می‌نوشیم، رخ دهد. برخی از دانشمندان معتقدند که دهه‌های پایان قرن بیستم، گرم‌ترین سال‌های ۴۰۰ سال اخیر بوده است. گزارش‌ها حاکی از آن است که ۱۰ مورد از گرم‌ترین سال‌های جهان تنها از سال ۱۹۹۰ تا سال ۲۰۰۷ به ثبت رسیده است که این میزان در ۱۵۰ سال گذشته بی‌سابقه بوده است. به نظر می‌رسد فعالیت‌های صنعتی در ایجاد این مشکل بسیار مؤثر است و به گرم شدن کره زمین کمک می‌کند. گاز دی‌اکسید کربن که عمدتاً از کاربرد سوخت‌های فسیلی ناشی می‌شود به عنوان یکی از

عوامل افزایش دمای زمین مطرح است. (علیجانی، کاویانی، ۱۳۸۰) شکل ۱ شاخص عملکرد تغییرات آب و هوا ۲۰۲۰ را نشان می‌دهد.

شکل ۱: شاخص عملکرد تغییرات آب و هوا ۲۰۲۰



منبع: upload.wikimedia.org

دانشمندان با بررسی دوران‌های اقلیمی گذشته، رابطه‌ی مستقیمی بین افزایش CO₂ در اتمسفر و افزایش دمای هوا کشف کرده‌اند (علیجانی، کاویانی، ۱۳۸۰) که به تغییرات آب‌وهوایی منجر می‌شود. منشأ تولید این گاز می‌تواند فعالیت‌های آتشفشانی، گرم شدن آب اقیانوس‌ها، آتش‌سوزی‌های گسترده در جنگل‌های و نیز افزایش فعالیت‌های صنعتی انسان باشد. پیش‌بینی شده است که با دو برابر شدن مقدار CO₂ در اتمسفر، دمای کره‌ی زمین حدود سه درجه بیشتر از دمای فعلی شود. (غیور، مسعودیان، ۱۳۷۶)

اقیانوس‌ها و جنگل‌ها منبع اصلی جذب CO₂ اتمسفر هستند و هرگونه تغییر در ساختار این اکوسیستم‌ها، نظم و روابط موجود در سیستم‌های آب‌وهوایی و چرخه‌ی آب و کربن در طبیعت را به هم می‌زند. امروزه، بهره‌برداری‌های حریصانه‌ی انسان از منابع طبیعی باعث نابودی و تخریب جنگل‌ها و آلودگی دریاها شده است و می‌تواند در تغییرات آب‌وهوا نقش مهمی داشته باشد. از دیدگاه بسیاری از دانشمندان، وقوع تغییرات اقلیمی بر اثر دخالت‌های بشر در سیستم‌های طبیعی امری مسلم است. آن‌ها از راه‌های متفاوت هشدارهایی را به جهانیان و دولت‌ها اعلام کرده‌اند. از این‌رو در سازمان‌های بین‌المللی و ملی، مقررات و آیین‌نامه‌هایی تدوین شده‌اند تا بر مبنای آن‌ها، فعالیت‌های تولیدی و اقتصادی کشورها به رعایت استانداردهایی موظف باشند و حداقل آسیب را به محیط زیست بزنند.

تغییر اقلیم پدیده‌ای آنی و ناگهانی نیست، بلکه به طور آرام و خزانده پیش می‌رود؛ به طوری که مردم عادی متوجه آن نمی‌شوند و فقط زمانی که اثرات تغییر آب‌وهوا بر محیط آشکار شد، آن را درک می‌کنند. اما دانشمندان با بررسی‌های علمی و آماری از عناصر آب‌وهوایی می‌توانند، تغییرات آب‌وهوایی را کشف و آن را پی‌گیری کنند.

بنابراین، توصیه‌ها و اظهارات آن‌ها پشتوانه‌ی علمی و پژوهشی دارد و دولت‌ها باید به آن‌ها عمل کنند. از سال ۱۸۸۰ اندازه‌گیری دمای هوای کره زمین توسط سازمان آمریکایی «اقیانوس و فضا» آغاز شده است و تاکنون نیز ادامه دارد. همچنین گفته می‌شود گرم شدن کره زمین، تا سال ۲۱۰۰ باعث خشکسالی شدید، گرمای سوزان، طوفان‌های وحشتناک، سیلاب و بالا آمدن آب دریاها و در نتیجه رفتن مناطق ساحلی و جزایر زیر آب و رقیق شدن آب اقیانوس‌ها خواهد شد. علاوه بر این گرم شدن دمای زمین باعث شده است که درجه حرارت داخلی یخچال‌های طبیعی واقع در نقاط مختلف جهان از جمله یخچال‌های واقع در قطب شمال، قطب جنوب و چین افزایش پیدا کند و در نتیجه با آب شدن تدریجی، حجم زیادی از ذخایر یخچال‌ها ذوب شود. این مسأله از آنجا حائز اهمیت است که این یخچال‌ها بخش عمده‌ای از ذخایر آب آشامیدنی جهان را تشکیل می‌دهند. (علیزاده، کمالی، ۱۳۸۱: ۶۷) بطور ساده، درجه حرارت بالاتر زمین منجر به تبخیر بیشتر آب شده و خشکسالی گسترش می‌یابد و همزمان وقتی این بخار آب به صورت باران شدید به زمین فرو می‌ریزد موجب سیلاب‌های ویرانگر خواهد شد.

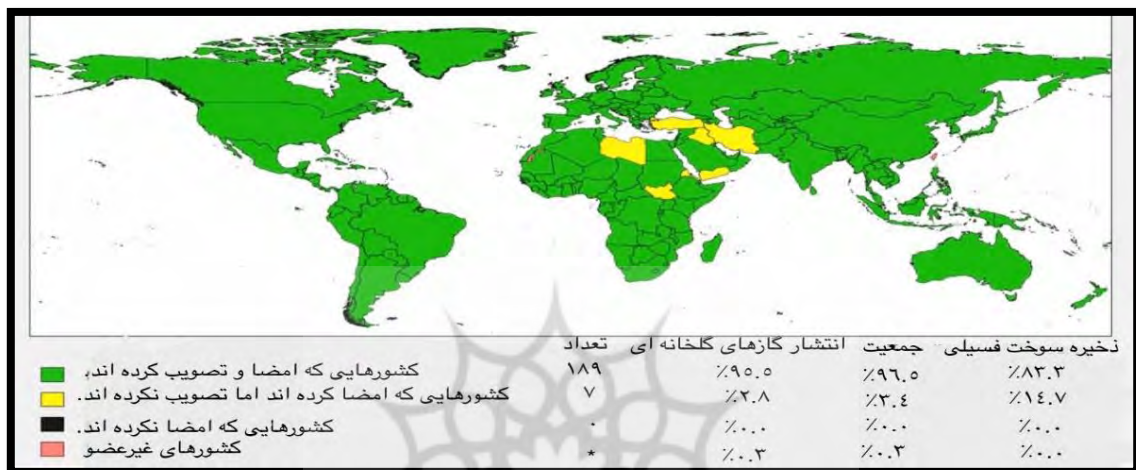
در این میان سیل و خشکسالی در بخش‌های زیادی از کره زمین، گرما و سرماهای طولانی، افزایش دما، طوفان‌ها و سیلاب‌های شدید، نابودی تنوع زیستی و بالا آمدن سطح آب‌های آزاد در نتیجه آب شدن یخ‌های قطبی تغییر در الگوی کشت، نوسانات زیاد در دمای روزانه، افزایش دمای حداقل و حداکثر، کاهش روزهای سرد و ... آثار مستقیم بر سلامت انسان دارد. (www.researchgate.net) در ۱۰۰ سال اخیر میانگین سطح جهانی دریاها حدود ۱۰ تا ۲۵ سانتیمتر افزایش یافته است و بر اساس برآوردها میانگین افزایش جهانی سطح دریا تا سال ۲۱۰۰ حدود ۱۳ تا ۹۴ سانتیمتر پیش‌بینی شده است. یکی از تبعات افزایش سطح دریاها تراوش آب شور در آبخوان‌های ساحلی است. گرمایش سبب افزایش سطح دریا در اثر ذوب یخچال‌های مناطق معتدل می‌گردد. هیأت بین دولتی تغییر آب و هوا (IPCC) برآورد کرده است که تا سال ۲۰۳۰ سطح دریاها ۱۸ سانتی‌متر بالاتر از سطح کنونی خواهد بود. چنین افزایشی از منظر ایجاد طغیان و سایش در مناطق ساحلی مشکلات جدی را پدید می‌آورد. کشورهایی که ارتفاع آنها کمتر از سطح دریا می‌باشد مانند هلند حتی اگر آب دریا به میزان نیمی از مقدار پیش‌بینی شده افزایش یابد نیازمند اقدامات حفاظتی هستند. افزایش سطح دریا منجر به شورتر شدن آب‌های زیرزمینی در نواحی ساحلی شده و تالاب‌ها را به خطر می‌اندازد. برخی از جزایر کوچک که ارتفاع کمی از سطح دریا دارند در برابر تغییر آب و هوا و افزایش سطح دریای ناشی از آن در بسیاری از موارد (مانند جزایر باهاماس، کیریباتی، مولداوی و مارشال) آسیب‌پذیر هستند. رابطه‌ی گازهای گلخانه‌ای مانند CO₂، متان و ... در اتمسفر زمین با افزایش دمای هوا به اثبات رسیده است. با افزایش دما و افزایش تبخیر، بخار آب در جو زمین بیشتر می‌شود و خاصیت گل‌خانه‌ای آن را شدت می‌بخشد. با روند فعلی افزایش این گازها پیش‌بینی می‌شود، علاوه بر افزایش ذوب یخ‌های قطبی، بی‌نظمی‌هایی نیز در بارندگی مناطق و نیز شدت تبخیر آب‌های سطحی رخ دهد. افزایش سیلاب‌های مخرب در مناطق حاره‌ای و افزایش خشکی و بیابان‌زایی در مناطق معتدل، از پیامدهای احتمالی این واقعه است. گسترش بیابان‌ها، مراتع و مزارع کشاورزی را تهدید می‌کند و نتیجه‌ی آن کاهش تولید محصولات کشاورزی و دامی است. فرسایش آب و باد، سرمایه‌ی گران‌بهای

کشورها (خاک کشاورزی) را از بین می‌برد. گسترش خشکی در برخی مناطق و نیز افزایش بارش و ایجاد سیل و مرداب‌ها در مناطق دیگر، به افزایش برخی بیماری‌های مهلک و اپیدمی شدن آن‌ها می‌انجامد. تغییر مکان، پاسخ طبیعی انسان به تغییرات محیطی و اقلیمی است، این واکنش، نوعی سازگاری با شرایط ایجاد شده می‌باشد. این به معنی دفع خطر و افزایش تاب‌آوری و انعطاف‌پذیری انسان با این تغییرات، بخصوص زمانی که برنامه‌ریزی شده است باشد. ایده‌ی پناهنده‌ی اقلیمی یا پناهندگان تغییر اقلیم نسبتاً جدید می‌باشد. علیرغم مهاجرت‌های بین‌المللی که تحت تأثیر عوامل محیطی در تاریخ زندگی بشر انجام شده، اولین مباحث معنی‌دار و قابل توجه در ارتباط با پناهندگان تغییر اقلیم از سال ۱۹۹۰ آغاز شده است و این مباحث بیشتر توسط دانشمندان اقلیم‌شناسی و پژوهشگران مرتبط با تغییرات اقلیمی مطرح گردیده است. (ماندل، ۱۸۹۱۳۷۹) از این رو امروزه، کشورها به منظور کاهش آسیب‌پذیری ناشی از حوادث طبیعی و مقابله با تغییرات اقلیمی اقدام به تدوین طرح‌های آینده‌نگر، پیشرو و کاربردی نموده‌اند. که این طرح‌ها و برنامه‌ریزی‌ها در راستای کاهش آسیب‌پذیری، افزایش ایمنی و افزایش توانایی مقابله با حوادث طبیعی است. حوزه‌های سکونت‌گاهی به‌عنوان قاعده نظام سکونت و فعالیت ملی نقش اساسی در توسعه ایفا می‌کنند چرا که توسعه پایدار سرزمین در گرو پایداری نظام سکونت‌گاه‌های انسانی به‌عنوان زیر نظام تشکیل‌دهنده نظام سرزمین است. دولت‌ها به منظور مقابله با تغییرات اقلیمی و ایمن و پایدارسازی سکونت‌گاه‌ها معاهدات و کنوانسیون‌هایی را منعقد نموده‌اند. هدف کنوانسیون مقابله با تغییرات اقلیمی، تنظیم کردن میزان گازهای گلخانه‌ای اتمسفر به‌طوری است که اکوسیستم زمین فرصت بازیافتن چرخه طبیعی خود را داشته باشد. کنوانسیون مذکور، کشورهای عضو را تشویق می‌کند تا برای جمع‌آوری و به اشتراک گذاشتن اطلاعات در مورد کاهش گازهای گلخانه‌ای تلاش کنند. این در حالی است که بر اساس این کنوانسیون، هیچ یک از فعالیت‌های کشورهای در راستای اهداف کنوانسیون نباید امنیت مواد غذایی و توسعه اجتماعی و اقتصادی را با خطر روبرو سازد. کشورهای عضو به دست‌های ذیل تقسیم می‌شوند: ۱- کشورهای عضو پیوست یک و دو: کشورهای صنعتی و توسعه‌یافته‌ای هستند که بر اساس این پیمان ملزم به کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای از جمله کربن‌دی‌اکسید میشوند. ۲- کشورهای در حال توسعه که هیچ الزامی برای کاهش فوری انتشار ندارند. این امر در اصل برای جلوگیری از کاهش توسعه اقتصادی و صنعتی این کشورهاست. کنوانسیون مبارزه با تغییرات اقلیمی دارای یک مقدمه و ۲۶ ماده و ۲ ضمیمه می‌باشد. در اصل با اتکا به اصل مشارکت، بدون آنکه تکلیفی بر کشورها تحمیل کند، الزامات را به پروتکل‌های آن کنوانسیون موکول نمود که نمونه بارز آن پروتکل کیوتو و موافقت‌نامه پاریس بود. (سهرابی و دیگران، ۳۸۵۱۳۹۹)

این در حالیست که معاهدات از جنس حقوق بشری و محیط زیستی فاقد هرگونه ضمانت اجرای موثر و کارآمدی می‌باشد. اما از میان تورم هنجاری اسناد غیرالزام آور می‌توان کنوانسیون پاریس ۲۰۱۵ را نام برد که تا حدودی توانسته است ضمانت اجرایی موثر در زمینه تعهدات زیست محیطی و تأکید به کاهش هرچه بیشتر انتشار گازهای گلخانه‌ای داشته باشد. گرچه بسیاری از کشورها آن را تأیید کرده، پذیرفته یا آن را تصویب نموده‌اند اما با این وجود منافع اقتصادی کشورها و عدم دسترسی کشورهای در حال توسعه به امکانات و تکنولوژی جهت جایگزینی سوخت‌های غیرفسیلی از جمله موانعی در راه دستیابی به اهداف کنوانسیون پاریس که همانا مقابله با تغییرات

اقلیمی می‌شود. (www.berkeleyearth.org) شکل ۲ وضعیت این کنوانسیون را در سال ۲۰۲۱ نشان می‌دهد می‌توانیم به خوبی پی ببریم که کشورهایی که از تصویب خودداری نموده‌اند اقتصادشان را به سوخت‌های فسیلی وابسته می‌مانند و تا به امروز از تصویب آن خودداری نموده‌اند این در حالیست که بسیاری از کشورهای توسعه یافته آن را تصویب و به مانند قانونی لازم الاجرا می‌دانند.

شکل ۲: وضعیت کنوانسیون پاریس (فوریه ۲۰۲۱)



منبع: www.berkeleyearth.org

این پژوهش به بررسی کنوانسیون‌های مربوط به تغییرات اقلیمی و استناد سخت و نرم است و به تحلیلی از شاخص‌های حقوقی مرتبط با لزوم پایدارسازی و ایمن‌سازی سکونت‌گاه‌های انسانی و کاهش مخاطرات طبیعی در مقررات بین‌المللی و همچنین پابندی به تعهدات بین‌المللی و ملی در این زمینه می‌پردازد. اهدافی که در این پژوهش مدنظر است بیشتر حول محور تبیین تعهدات و تدابیر بین‌المللی دولت‌ها به ایمن‌سازی سکونت‌گاه‌ها می‌گردد. چالشی که در راه این پژوهش قرار دارد آن است که تعهدات زیست‌محیطی بین‌المللی فقدان ضمانت اجرای فراگیر هستند و به همین ترتیب نمی‌توان انتظار داشت به همه یا بخش اعظم تعهدات عمل شود. کشورهای توسعه یافته به دلیل علم و تکنولوژی کافی در راستای عمل به تعهدات بین‌المللی پیشگام هستند. و به تعهداتی که با منافع اقتصادی آنها معارض نباشد، اقبال دارند. این پژوهش تنها به جنبه حقوقی تعهدات دولت‌ها در زمینه ایمن و پایدارسازی سکونت‌گاه‌ها می‌پردازد و سایر موضوعات اعم از بعد سیاسی و اجتماعی و فرهنگی مد نظر نمی‌باشد.

یافته‌های پژوهش

۱-۱- علل و اثرات تغییرات اقلیمی در پایداری سکونت‌گاه‌ها

به موجب بند ۲ ماده ۱ کنوانسیون ساختاری ملل متحد در خصوص تغییرات آب و هوایی، «تغییر در آب‌وهوا به معنی آن‌گونه تغییری در آب‌وهوا است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم ناشی از فعالیت‌های انسانی باشد که باعث تغییر در ترکیبات هواسپهر جهانی می‌گردد. این تغییرات به غیر از تغییرات طبیعی در آب‌وهوا است که در دوره‌های زمانی مشابه مشاهده می‌شود.» با آغاز انقلاب صنعتی در سال ۱۸۳۰ میلادی و رشد روزافزون تحولات بشری،

تغییرات گوناگونی نیز در زندگی انسان‌ها رخ داده است. نیاز روزافزون بشر به انرژی و مصرف انواع سوخت‌های فسیلی نظیر زغال سنگ، نفت و گازهای طبیعی باعث افزایش شدید موادی نظیر دی‌اکسیدکربن و بخار آب در جو شده است. پدیده تغییر آب‌وهوا که عمدتاً مربوط به افزایش گازهای گلخانه‌ای در جو است از مثال‌های بارز خطرات ناشی از صنعتی شدن دنیاست چرا که رهایی بیش از حد گازهای گلخانه‌ای نظیر دی‌اکسیدکربن، اکسید نیترو، متان و... در جو توسط انسان‌ها باعث بهم خوردن توازن انرژی زمین شده است.

امروزه، بهره‌برداری‌های حریم‌های انسان از منابع طبیعی باعث نابودی و تخریب جنگل‌ها و آلودگی دریاها شده است و می‌تواند در تغییرات آب‌وهوا نقش مهمی داشته باشد. از دیدگاه بسیاری از دانشمندان، وقوع تغییرات اقلیمی بر اثر دخالت‌های بشر در سیستم‌های طبیعی امری مسلم است. آن‌ها از راه‌های متفاوت هشدارهایی را به جهانیان و دولت‌ها اعلام کرده‌اند. از این‌رو در سازمان‌های بین‌المللی و ملی، مقررات و آیین‌نامه‌هایی تدوین شده‌اند تا بر مبنای آن‌ها، فعالیت‌های تولیدی و اقتصادی کشورها به رعایت استانداردهایی موظف باشند و حداقل آسیب را به محیط زیست بزنند.

تغییر اقلیم پدیده‌ای آنی و ناگهانی نیست، بلکه به‌طور آرام و خزنده پیش می‌رود؛ به‌طوری که مردم عادی متوجه آن نمی‌شوند و فقط زمانی که اثرات تغییر آب‌وهوا بر محیط آشکار شد، آن را درک می‌کنند. اما دانشمندان با بررسی‌های علمی و آماری از عناصر آب‌وهوایی می‌توانند، تغییرات آب‌وهوایی را کشف و آن را پی‌گیری کنند. بنابراین، توصیه‌ها و اظهارات آن‌ها پشتوانه‌ی علمی و پژوهشی دارد و مردم و دولت‌ها باید به آن‌ها عمل کنند.

خشکسالی‌ها، طوفان و گردباد، سیل و بالا آمدن سطح آب همگی اثرات تغییرات اقلیمی محسوب می‌شوند که می‌تواند زندگی بشر را دچار چالش سازند و سبب از بین رفتن سکونت‌گاه‌های انسانی و مهاجرت اجباری افراد برای تاب‌آوری و سازگاری با شرایط ایجاد شده به شمار می‌رود. تغییرات اقلیمی و به دنبال آن بالا آمدن سطح دریاها سبب ایجاد خسارت‌های بسیاری به سکونت‌گاه‌ها و زیرساخت‌های ساحلی می‌گردد و صنایع تولیدی و امکانات گردشگری را تحت تأثیر قرار دهد. (John Connell, 2018:16)

۲-۱- حق مسکن و سکونتگاه

حقوق بشر غیرقابل تقسیم و به هم وابسته هستند. نقض و عدم کیفیت مناسب مسکن ممکن است در برخورداری از طیف وسیعی از دیگر حقوق بشر تأثیر بگذارد و بالعکس. دستیابی به مسکن مناسب می‌تواند پیش شرط برخورداری از چندین حقوق بشر از جمله حقوق کار، بهداشت، امنیت اجتماعی، رأی، حریم خصوصی یا تحصیل باشد. بنابراین هدف از ساخت آن فقط تولید نیست بلکه کاربری آن مدنظر است؛ و کیفیت نقش مهمی را در کسب رضایت متقاضیان مسکن دارد. ارتقای کیفیت اماکن بشری یکی از عوامل تأثیرگذار بر مطلوبیت محیطی در نظر گرفته می‌شود که می‌تواند کیفیت زندگی و رضایت‌مندی بشر را تحت تأثیر قرار دهد. (united habitat, 9)

طبق ماده ۱۱ میثاق حقوق اجتماعی و فرهنگی از دولت‌ها انتظار می‌رود که در منع تبعیض در دسترسی مسکن برای اشخاص مداخله نماید و به این ترتیب هیچ‌کس نباید به علت جنسیت، ملیت یا سایر اشکال تبعیض از حق داشتن مسکن منع گردد. چراکه در این صورت تعهد به حمایت از حق مسکن نقض گردیده. همچنین در برنامه اسکان

بشری از اماکن بشری به عنوان سرپناه نام می‌برد. سرپناه مناسب برای همگان را یک نوع حق به شمار می‌آورد. (United Nations conference on human settlements/Habitat II) اما قانونگذار ایرانی به این مسئله به عنوان حق نمی‌نگرد و پسوند (مناسب) برای برخورداری از مسکن برای همگان در نظر قانون‌گذار ایرانی از جایگاهی برخوردار نیست. از این روست که تعهدات دولت در نظام حقوقی ایران در زمینه مسکن تنها به حق افراد در برخورداری از مسکن محدود می‌گردد و قوانینی در زمینه تعریف، تضمین و تأمین مسکن مناسب در نظام حقوقی ایران به چشم نمی‌خورد. نمونه این سیاست‌گذاری را در طرح ملی مسکن مهر می‌توان مشاهده نمود. طرح ملی مسکن مهر به منظور ایجاد زمینه و بسترسازی مناسب جهت تأمین مسکن و در راستای حصول به عدالت اجتماعی و توانمندسازی گروه‌های کم درآمد، تقویت نقش حاکمیتی دولت در امر تأمین مسکن با رویکرد تقویت تعاونی‌های مسکن و خیرین مسکن‌ساز، حصول مدیریت یکپارچه و منسجم، زمینه کاهش سهم زمین در قیمت تمام شده واحد مسکونی و حمایت و هدایت انبوه‌سازی، لایحه ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن با پیشنهاد وزارت مسکن و شهرسازی به عنوان متولی برنامه‌ریزی مسکن و هدایت بخش مسکن تهیه و در اردیبهشت ۱۳۸۶ به تصویب هیئت وزیران رسید که به عنوان یک برنامه فرادستی، نقش غیرقابل انکاری در ساختار و استخوان بندی شهرها با توجه به حادث شدن موضوع کمبود و گرانی مسکن در کشور و بویژه در شهرهای بزرگ و افزایش کم‌سابقه قیمت آن داشته است. (عباس‌زادگان، ۴۷۱۳۸۸) پیاده‌سازی پروژه مزبور در خارج از بافت شهری و به دور از خدمات رفاهی سبب شد از الگوی پایدار شهرها فاصله گیرد و مسافت زیاد میان محل کار، سکونت، مراکز تجاری و مراکز تفریحی را پدید آورد که خود سبب افزایش آلودگی هوا می‌باشد. گرچه احداث ساختمان‌های مسکن مهر با هدف کاهش بافت‌های فرسوده و اسکان‌های غیررسمی مورد توجه قرار گرفته است اما باید این نکته را هم از در نظر داشت که احداث این پروژه در خارج از محدوده شهری نمی‌تواند به هدف توسعه پایدار شهری جامه عمل بپوشاند و همچنین ساکنان آن را اقشار کم درآمد و مهاجرانی تشکیل می‌دهند که از عهده تأمین مسکن در شهرها بر نمی‌آیند و به عبارتی به حاشیه رانده شدند بنابراین ساختار اجتماعی که در این محدوده‌ها شکل می‌گیرد، ساختاری است، غیرهمگن و با هویت اجتماعی پایین چراکه جدایی اجتماعی از سایر گروه‌ها که در شهر امکان حضور دارند، خود منجر به جدایی از مکان‌هایی می‌شود که نسبت به آن هویت پیدا می‌کرده‌اند و مهم‌ترین عنصری که اعضای این جوامع را در کنار هم قرار می‌دهد، وجه تشابه در سطح درآمدی آنهاست. (رضویان، سعیدی‌فر، ۱۳۹۵: ۱۰-۱۱)

حق مسکن و بهره‌مندی از سرپناه را می‌توان از حقوق اساسی و بنیادین بشر محسوب نمود که در ماده ۲۵ اعلامیه حقوق بشر و ماده ۱۱ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این حق به رسمیت شناخته شده است و به عنوان بخشی از زندگی استاندارد و متعادل جای می‌گیرد و بنابراین تعهدات دولت‌ها در رابطه با پایداری سکونت‌گاه‌ها بر این اساس فوریت می‌یابد و قدم اول آن است که دولت‌ها به بازنگری در کلیه قوانین مربوطه بپردازند با این هدف که قوانین ملی با قوانین بین‌المللی سازگاری یابد چراکه تا آن‌سان که قوانین بین‌المللی جزئی از کالبد قوانین ملی

قرار نگیرد، اقدامات دولت‌ها کافی نخواهد بود. (Edgar Bill, 2002) البته رویکردهای دول نسبت به این حق متفاوت است. قانونگذار در اصل ۳۱ قانون اساسی ایران بهره‌مندی از حق مسکن متناسب را حق هر فرد و خانواده ایران دانسته است و به این ترتیب وصف ایرانی بودن به عنوان پیش شرط بهره‌مندی افراد بر مشکل متناسب حاکی از آن است که قانونگذار ایرانی در شناسایی و تخصیص این حق الگویی مبتنی بر نظام حقوق شهروندی تابعیت محور را اتخاذ نموده است.

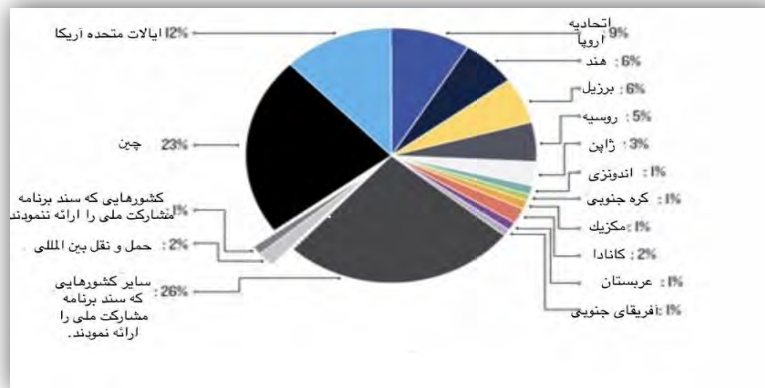
۲- حدود و ثغور تعهدات دولت‌ها در مقابله با تغییرات اقلیمی و ایمن و پایدارسازی سکونت‌گاه‌ها

۲-۱- تعهدات دولت‌ها به مقابله با تغییرات اقلیمی در چارچوب کنوانسیون ساختاری سازمان ملل، پروتکل کیوتو و کنوانسیون پاریس ۲۰۱۵

تغییرات اقلیمی و چالش‌های حاصل از آن از جمله افزایش گرمای زمین، بالا آمدن آب دریاها و اقیانوس‌ها، افزایش تراکم گازهای گلخانه‌ای سبب شد تا دولت‌ها به مرحله‌ای برسند که راه‌حل مشکلات ناشی از تغییرات اقلیمی را در چارچوب همکاری مناسب و موثر بین‌المللی جست‌وجو کنند. دولت‌ها در کنوانسیون ساختاری سازمان ملل متحد (اجلاس زمین ریو ۱۹۹۲) در کنار حق حاکمیت بهره‌برداری از منابع خود مسئولیت دارند تا با قانون‌گذاری مؤثر برای محیط‌زیست، فعالیت‌ها در حیطه صلاحیت و کنترل آنها سبب بروز خسارت به محیط‌زیست سایر کشورها یا نواحی ماوراء حیطه حقوق ملی نگردد. کنوانسیون ساختاری سازمان ملل متحد هیچ نوع تعهد الزام‌آوری را برای دولت‌ها در بر ندارد و با مطالعه بند سوم مقدمه آن می‌توان مجوز انتشار کنترل شده گازهای گلخانه‌ای را توسط دولت‌های در حال توسعه را استنباط کرد. به نوعی همین نقش منفعل کشورهای در حال توسعه ایجاد عدم تعادل در ایفای تعهدات در این زمینه می‌گردد. عدم الزام‌آوری این کنوانسیون تا حدودی با تعهدات دولت‌ها در چارچوب کیوتو جبران شد. پروتکل کیوتو گرچه ماهیت منعطفی نسبت به سند الزام‌آور دارد اما انعطاف‌پذیری در اجرای تعهدات می‌تواند کشورهای توسعه یافته را مشارکت دهد این سند ضمن تعیین حدود تعهدات مندرج در کنوانسیون ساختاری کاهش بیشتر گازهای گلخانه‌ای را توسط دولت‌های توسعه یافته عضو کنوانسیون تضمین نماید. در میان تعهدات زیست‌محیطی توافقنامه پاریس را می‌توان از جمله بارزترین و متفاوت‌ترین توافقنامه‌های زیست‌محیطی در زمینه حقوق بشر دانست. که بسیاری از کشورها در آن عضویت دارند گرچه تعدادی از اعضای آن تاکنون از تصویب کنوانسیون خودداری کردند اما در نوع تعهدات محیط‌زیستی بی سابقه است (www.diplomatie.gouv.fr)

در این توافقنامه در کنار تمرکز به کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای با همین جدیت به سازگاری با تغییرات اقلیمی رسیدگی می‌کند و دولت‌ها را موظف به همکاری در زمینه سازگاری با در نظر گرفتن گروه‌ها و جوامع آسیب‌پذیر، گزارش دوره‌ای تلاش‌های ملی خود و تقویت حمایت مالی را ارائه دهند. (jake Schmidt, 2015) شکل ۳ میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای را توسط کشورهای دارای اهداف اقلیمی در کنوانسیون پاریس را به خوبی نشان می‌دهد.

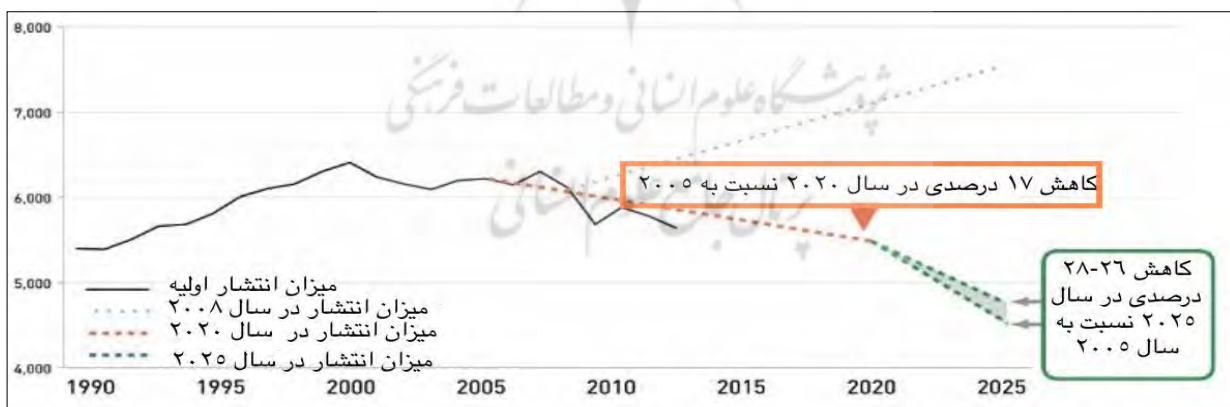
شکل ۱: میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای کشورهای عضو کنوانسیون پاریس



منبع: www.nrdc.org

همانطور که در شکل ۱ مشاهده می‌کنیم سهم ایالات متحده آمریکا، چین و بعد از آن هند و برزیل در انتشار گازهای گلخانه‌ای بیشتر از سایر کشورهای عضو کنوانسیون می‌باشد. ایالات متحده آمریکا متعهد شده است که در سال ۲۰۲۵ میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای خود را ۲۶-۲۸ درصد کمتر از سطح ۲۰۰۵ در سال ۲۰۲۵ کاهش دهد و بهترین عملکرد را در کاهش انتشار ۲۸ درصدی انجام دهد. این امر شامل محدودیت‌های دی‌اکسیدکربن، متان، اکسیدنیترن، پرفلوروکربن‌ها، گوگرد و غیره می‌شود که همه آنها به گرم شدن کره زمین کمک می‌کند. نمودار ۱ چشم انداز میزان انتشار بین سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۵ ایالات متحده آمریکا را نشان می‌دهد. با این هدف که در سال ۲۰۲۵ نسبت به سال ۲۰۲۰ میزان انتشار ۱۷ درصد کاهش پیدا کند. (earth institute, 2015)

نمودار ۱: میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای بین سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۵ ایالات متحده آمریکا

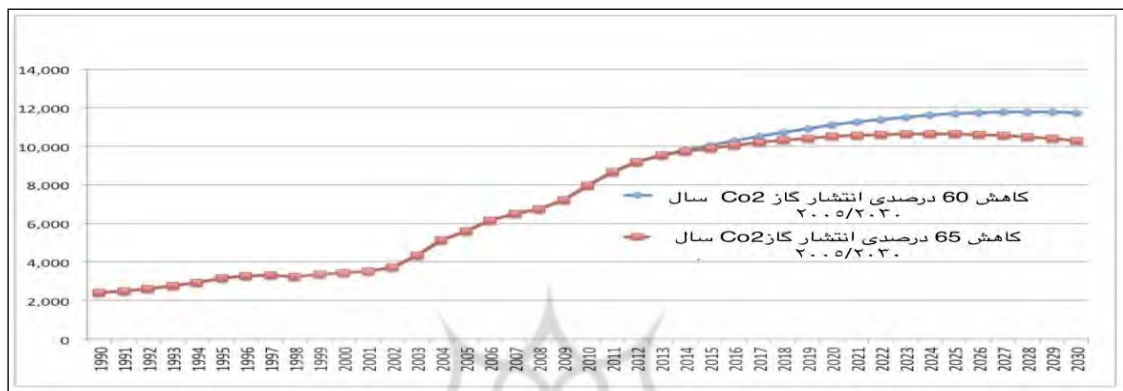


منبع: news.climate.columbia.edu

کشور چین نیز با بیش از یک میلیارد جمعیت سهم گسترده‌ای در تولید گازهای گلخانه‌ای دارد. در سال ۲۰۱۰ بیش از ۶۰۰ میلیون چینی از سوخت‌های جامد (چوب، بقایای محصول، زغال سنگ) استفاده کردند. و تجمع این خانوارها در یک منطقه شهری آلودگی شدید داخلی و خارجی ایجاد نمود. به گونه‌ای که در بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۳ انتشار گازهای گلخانه‌ای سیر صعودی بسیاری داشته است. (www.climatechangenews.com) کشور چین در

کنوانسیون پاریس ۲۰۱۵ متعهد شد حداکثر انتشار کربن را تا سال ۲۰۳۰ کاهش دهد و سوخت‌های غیرفسیلی خود را تا ۲۰ درصد افزایش داده و انتشار کربن را بین ۶۰ تا ۶۵ درصد تا سال ۲۰۳۰ در مقایسه با سال ۲۰۰۵ کاهش دهد. (Gerard Wynn, 2014). نمودار ۲ انتشار گازهای گلخانه‌ای چین را با فرض کاهش تا سال ۲۰۳۰ را نشان می‌دهد.

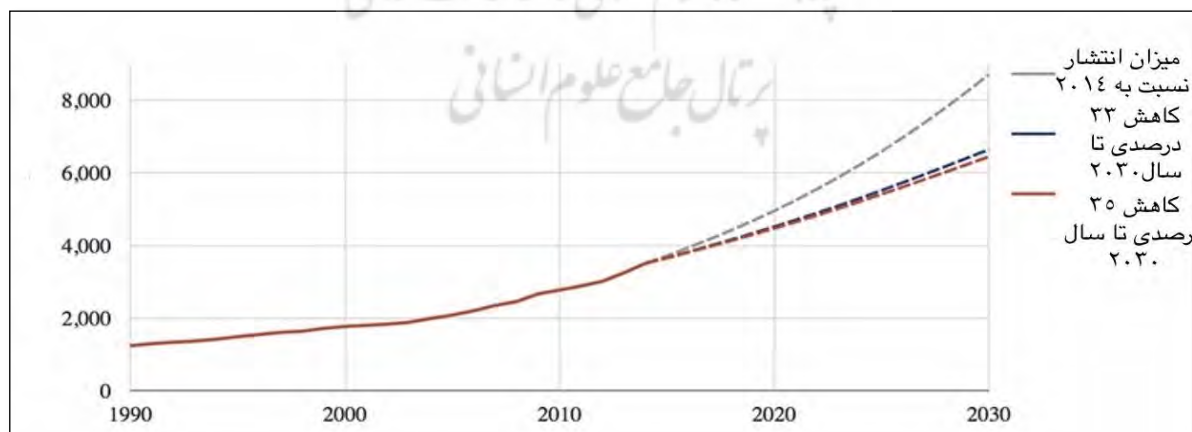
نمودار ۲: پروژه کاهش انتشار گاز CO₂ کشور چین بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۳۰



منبع: climatechangenews.com

کشور هند نیز با میزان قابل توجهی از انتشار گازهای گلخانه‌ای متعهد شده است که ۳۰ درصد از میزان انتشار خود را تا سال ۲۰۳۰ کاهش دهد. در حالی که اقتصاد رو به رشد آن بسته به تحول شدت انتشار گازهای گلخانه‌ای و برآورد شدت انتشار این گازها در آینده خبر از افزایش انتشار می‌دهد. نمودار ۳ میزان انتشار با توجه به تعهدات این کشور و پیش‌بینی سازمان همکاری اقتصادی با توجه به رشد تولید ناخالص داخلی را مشخص می‌نماید. (David Evison, 2015)

نمودار ۳: ارزیابی انتشار گازهای گلخانه‌ای کشور هند



منبع: www.carbonbrife.org

این‌ها فقط تعدادی نمودار و پیش‌بینی کاهش شدت میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای است در حالی که متن کنوانسیون پاریس به گونه‌ای تنظیم شده است که هیچ ضمانت اجرای مؤثری در تعهدات طرف‌های کنوانسیون پیش‌بینی نشده

است. چراکه میزان مشارکت هرکشور توسط همان کشور تعیین می‌شود با این همه این مشارکت مانند یک قانون بین‌المللی حقوق سخت الزام آور نیست. زیرا از ویژگی‌های لازم برای ایجاد عوامل الزام‌آور برخوردار نیست. و هیچ‌گونه مکانیزمی برای وادار کردن یک کشور برای تعیین اهداف در مشارکت ملی آنها در زمانی تعیین شده وجود ندارد و هیچ اجباری برای اجرای اهداف تعیین شده در نظر گرفته نشده است. الزام‌آوری صرفاً از طریق یک برنامه تشویقی، تنبیهی در این پیمان گنجانده شده است. ویژگی ممتاز این کنوانسیون این است که کنوانسیون پاریس به سازگاری با تغییرات اقلیمی توجه ویژه‌ای دارد و این خود نشان از صبغه حقوق بشری این کنوانسیون نسبت به سایر کنوانسیون‌ها دارد.

۲-۲- تعهدات دولت‌ها به مقابله با مخاطرات طبیعی و پایدارسازی سکونت‌گاه‌ها

مخاطرات طبیعی، تحقق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها را در زمینه حفاظت از افراد، به این دلیل که جلوگیری از وقوع زلزله، سیل، گردباد، سونامی و دیگر مخاطرات طبیعی در توان دولت‌ها نیست، منتفی نمی‌کند و این امر نمی‌تواند به تعهدات دولت‌ها در احترام به حقوق بشر به ویژه حق حیات و شأن انسانی خللی وارد کند و دولت‌ها متعهد به اتخاذ اقداماتی برای حفاظت از زندگی اشخاص در برابر تهدیدها از جمله تهدیدهای ناشی از مخاطرات طبیعی هستند. در مقیاس جهانی، کمیته حقوق بشر بیان داشته است که دولت‌ها موظف به اتخاذ اقدامات ایجابی در جهت حفظ حق زندگی‌اند. از جمله این اقدامات می‌توان به پذیرش کمک‌های بشردوستانه از طرف جامعه جهانی به هنگام بروز مخاطرات طبیعی اشاره کرد، به ویژه در زمانی که دولت مخاطره زده، خود به تنهایی قادر به تأمین منابع لازم به منظور حفظ جان قربانیان نیست. ایجاد هنجارهای جهانی جدید در مواردی که دولت‌های مخاطره زده علی‌رغم نیاز قربانیان از پذیرش کمک‌های بشردوستانه بین‌المللی سر باز می‌زنند، ضروری به نظر می‌رسد. هرچند در صورت نپذیرفتن کمک‌ها، به نظر می‌رسد بتوان کمک‌رسانی به نیازمندان را به دولت تحمیل کرد. به نظر می‌رسد مداخله در یک دولت صرفاً به قصد رساندن کمک‌های بشردوستانه، آنچه امروز مداخله بشردوستانه هم گفته می‌شود، دارای وجهت قانونی باشد. (بیگ زاده، ۱۳۸۶)

اگر دولت‌ها سهواً یا عمداً از عمل به تعهدات بین‌المللی خود، یا تعهداتشان در زمینه حفاظت از حقوق بشر در برابر تهدیدهای ناشی از مخاطرات طبیعی خودداری کنند، در خصوص خساراتی هم که به اتباع بیگانه در اثر قصور یا عمد دولت در مواقع بروز مخاطرات طبیعی، وارد می‌شود، از طریق حمایت دیپلماتیک، می‌توان دولت خاطی را به جبران خسارات مکلف کرد. در زمینه تعهدات دولت‌ها در حفاظت و حمایت از حقوق بشر، به نظر می‌رسد امکان طرح مسئولیت دولت با استناد به میثاق‌های حقوق بشر و قواعد آمره وجود داشته باشد.

از جمله اقدامات مهم، تصویب راهبرد بین‌المللی کاهش مخاطرات (ISDR) بود که براساس آن، رویکرد پاسخگویی به مخاطرات به سمت کاهش مخاطرات تغییر کرد و ارتقای فرهنگ پیشگیری اولویت یافت و راهبرد بین‌المللی کاهش مخاطرات جهان امن‌تر طی قطعنامه‌ای در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید. براساس این

سند باید همه جوامع در برابر مخاطرات طبیعی، تکنولوژیکی و زیست‌محیطی تاب‌آورتر شوند و ریسک‌های منجر به آسیب‌پذیری‌های اقتصادی و اجتماعی در جامعه مدرن کاهش یابد.

در ژانویه ۲۰۰۵، چارچوب کاری هیوگو در دومین کنفرانس جهانی کاهش مخاطرات برای عمل ۲۰۰۵-۲۰۱۵ تصویب شد. در این سند، پنج اولویت به عنوان اولویت‌های اجرایی در فاصله ده ساله ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۵ شناسایی شد. این پنج اولویت عبارت بودند از: حصول اطمینان از اینکه کاهش خطرپذیری مخاطرات به یک اولویت در سطح ملی و محلی تبدیل شود؛ شناسایی و ارزیابی و کنترل و مراقبت در زمینه خطرپذیری سوانح و توسعه سیستم‌های هشداردهی اولیه؛ استفاده از دانش و نوآوری و آموزش برای ایجاد فرهنگ ایمنی در همه سطوح؛ کاهش عوامل خطرپذیری مهم و در نهایت تقویت آمادگی در برابر بحران به منظور مقابله مؤثر با آن. (سازمان ملل متحد، ۲۰۰۴)

چارچوب سندای برای کاهش ریسک مخاطرات در سومین کنفرانس جهانی کاهش خطرپذیری سوانح از سوی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۵ در شهر سندای ژاپن تصویب شد. در این سند، ۷ هدف و ۴ اولویت برای ۱۵ سال آینده تا ۲۰۳۰ معتبر شناخته شده و عنوان کاهش خطرپذیری سوانح، برای اولین بار، برای کنفرانس جهانی در نظر گرفته شد که نشان دهنده افزایش توجه کشورها و سازمان‌های بین‌المللی به موضوع کاهش مخاطرات است.

۳-۲- موانع و راهکارهای ایمن و پایدارسازی سکونت‌گاه‌های انسانی

مطابق بند نخست ماده ۹ کنوانسیون: «کشورهای توسعه یافته باید منابع مالی، برای حمایت از کشورهای در حال توسعه، با در نظر گرفتن هر دو بخش کاهش انتشار و سازگاری، در کنار وظایف فعلی خود فراهم نمایند.» اما تردید نیست که این ماده بیانگر یک چارچوب تصمیم است و به تنهایی نمی‌تواند حقی را برای کشور معینی مقرر کند یا تکلیفی را بر دوش کشور دیگری قرار دهد. زیرا اگر چنین می‌بود، مفاد مربوط به اعطای کمک مالی به کشورهای در حال توسعه توسط کشورهای توسعه یافته در کنوانسیون چارچوب محور تغییر اقلیم سازمان ملل می‌بایست موجد حق و تکلیف می‌بود. در بند سوم این کنوانسیون ماده ۴ که ناظر بر تعهدات اعضا می‌باشد چنین مقرر شد: «کشورهای پیشرفته عضو اقدام به تامین منابع جدید و مضاعف مالی برای پرداخت هزینه‌هایی خواهند نمود که کشورهای در حال توسعه عضو کنوانسیون بر مبنای تعهدات خود صرف نموده‌اند. این کشورها همچنین برای پرداخت هزینه‌های افزوده کامل اجرای اقداماتی که بین یک کشور در حال توسعه عضو و یک موسسه یا موسسات بین‌المللی مورد توافق قرار گرفته اقدام به تامین منابع مالی مورد نیاز کشورهای در حال توسعه من جمله برای انتقال تکنولوژی خواهند نمود. اجرای این تعهدات با در نظر گرفتن نیاز به کفایت و قابلیت پیش‌بینی در واریز اعتبارات و اهمیت مشارکت مناسب کشورهای پیشرفته در تحمل بار مالی مربوطه انجام می‌پذیرد.» همچنین در بند هفتم همان ماده آمده است: میزان «انجام مؤثر تعهدات کشورهای در حال توسعه به موجب این کنوانسیون به اجرای مؤثر تعهدات مالی و انتقال تکنولوژی کشورهای پیشرفته به موجب کنوانسیون بستگی خواهد داشت و این امر را کاملاً در نظر خواهند گرفت که توسعه اقتصادی و اجتماعی و فقرزدایی از اولویت‌های مهم کشورهای در حال توسعه می‌باشند. روشن است که این الزامات بدون تعیین شدن ساز و کار اجرایی مشخص نمی‌تواند سبب مکلف شدن یک کشور گردد. از نکته

می‌توان به اهمیت تعیین ساز و کار اجرایی شدن این تعهد پی برد. از این روست که برخی از پژوهشگران به بررسی موشکافانه مکانیسم اجرایی شدن این تعهدات می‌پردازند. زیرا یک مکانیسم اجرایی ناکارآمد باعث هدر رفتن تلاش‌هایی می‌شود که صرف دست‌یابی به کنوانسیون شده است.

از دیگر موانع ایمن و پایدارسازی سکونت‌گاه‌ها تبعیض و توسعه نامتوازن در سطح بین‌المللی است. یکی از مهم‌ترین استانداردهای حقوق بشری در اجرای تعهدات دولت‌ها، عدم تبعیض در حمایت از افراد ساکن در قلمرو سرزمینی آنهاست. اظهار نظر کلی شماره‌ی ۳۱ کمیته‌ی حقوق بشر و بند ۱ ماده‌ی ۲ کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بر این مهم تأکید دارند. اصل عدم تبعیض در بسیاری از اسناد بین‌المللی تصریح شده است. این اصل در چندین ماده از کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی نیز آمده است. کمیته‌ی حقوق بشر در اظهار نظر کلی شماره‌ی ۲۸ در زمینه‌ی حقوق برابر زن و مرد، مواد مرتبط با اصل عدم تبعیض را بر می‌شمرد و رابطه‌ی آنها را شرح می‌دهد. اهمیت اصل عدم تبعیض تا بدان جاست که برخی از نویسندگان مدعی شده‌اند کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در اصل برابری و عدم تبعیض خلاصه می‌شود. از نظر کمیته‌ی حقوق بشر، هر افتراقی تبعیض محسوب نمی‌شود، مشروط به اینکه چنین افتراقی معقول و هدفمند و برای دستیابی به یکی از اهداف مندرج در کنوانسیون باشد. مفهوم تبعیض، برخلاف اصل برابری بیشتر سلبی است. زمینه‌هایی که براساس آنها تبعیض ممنوع اعلام شده است عبارتند از: نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، گرایش سیاسی، عقیده، ملیت، طبقه‌ی اجتماعی، مالکیت، تولد یا دیگر زمینه‌هایی که مانع از تمتع و برخورداری یکسان افراد از حقوق و آزادی‌ها می‌شود. موادی از کنوانسیون که اصل عدم تبعیض را در وضعیت عادی بیان کرده‌اند هیچ کدام تخطی‌ناپذیر اعلام نشده‌اند، اما عناصر یا ابعادی از اصل عدم تبعیض که در ماده‌ی ۴ ذکر شده اند صراحتاً تخطی‌ناپذیر اعلام شده است و استثناپذیر نیست. در پرونده‌های مطرح شده در دیوان اروپایی حقوق بشر مربوط به اعمال تروریستی، دیوان بارها تأکید کرده است اقدامات و تدابیر اتخاذی ناشی از اعمال ماده‌ی ۱۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر باید بدون تبعیض اجرا شود و نیز تبعیض در وضعیت اضطرار عمومی را نقض تعهدات حقوق بشری دولت‌ها تلقی کرده است؛ بنابراین سیاست‌های افتراقی یا تبعیض مثبت، مقبول و ناظر به وضعیت عادی است و تبعیض منفی بر هر مبنایی در وضعیت اضطرار عمومی یا وضعیت عادی ممنوع است.

در کشورهای در حال توسعه رشد و گسترش فضایی کلان شهرها همواره با ظهور مسائل مختلف شهری همراه بوده و به بروز انواع مشکلات زیست‌محیطی و کاهش کیفیت زندگی زیستگاه‌های انسانی (Simon, ۲۰۰۸:۱۲۵, ۲۰۰۴:۸۵, Tomas et al, ۲۰۰۸) و رشد سریع و فاقد برنامه‌ریزی سکونت‌گاه‌های با درآمد پایین (سکونت‌گاه‌های غیر رسمی) در حاشیه کلان شهرها انجامیده است که با حومه نشینی در کشورهای توسعه یافته کاملاً متفاوت بوده این مناطق به دلیل عدم پایداری و ضعف مالی و عدم دسترسی به امکانات خدماتی و بهداشتی دچار آسیب‌های اجتماعی شده (امینی و دیگران، ۱۳۹۹:۶۰۸) و تداوم آن شرایط موجود را در آینده‌ای نه چندان دور وخیم‌تر خواهد نمود. (Cohen, ۲۰۰۶:۲)

در شناخت و پایش تحولات نظام سکونت‌گاهی در منطقه کلان‌شهری تهران، ابتدا فرایند شکل‌گیری، الگوی فضایی، عوامل بنیادی در سطح کلان و خرد مورد توجه و سپس راهکارهای برون‌رفت از شرایط ناپایدار فضایی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. زیرا این موضوع اهمیت حیاتی در سازمان‌دهی نظام سکونت‌گاهی در دستیابی به توسعه پایدار منطقه‌ای و ملی است.

افزایش تعداد کلان‌شهرها ناشی از تمرکز فوق‌العاده جمعیت در فضاها پیراشهری ناشی از رقابت‌های نابرابر اقتصادی در فضا است. به عبارت دیگر وجود فضاها محدود تجهیز شده و عمدتاً در مراکز پایتختی این کشورها گرایش به تمرکز سرمایه، فعالیت و جمعیت را در آنها تشدید کرده است. در این قطب‌ها با تمرکز مازاد اقتصاد ملی زهکشی شده از سراسر کشور، فضایی مؤثر برای جذب جمعیت خلق می‌شود. محدودیت فضایی کلان‌شهرها و سرریز جمعیت و پراکنش فعالیت در نواحی پیرامونی آنها تحولات منفی و مثبت بسیاری بر فضا و عملکرد نواحی پیرامونی دارد به گونه‌ای که نواحی گسترده‌ای در معرض پدیده‌های همچون ادغام، خزش و شکل‌گیری سکونت‌گاه‌های غیر رسمی قرار دارند و در پی ساخت و سازهای فراگیر و با بارگذاری خدمات لجام‌گسیخته و در نهایت اغتشاشات فضایی و کاهش قابلیت‌های توسعه را باعث می‌شود. (افراخته و حجیپور، ۱۳۹۴)

با ردیابی در ادبیات توسعه و بویژه مطالعات انجام شده در اغلب کشورهای در حال توسعه، عموماً از روند توسعه فضایی نظام سکونت‌گاهی ونحوه توزیع منطقه‌ای جمعیت فعالیت‌های خود ابراز نارضایتی می‌نمایند. (۶۶): (Mathur, ۱۹۹۷)

۴-۲- راهکار ایمن‌سازی و پایدارسازی سکونت‌گاه‌های انسانی

سکونت‌گاه‌های انسانی به عنوان نظام‌های جغرافیایی، متأثر از عوامل و نیروهای فضا‌ساز در یک فرآیند زمانی-مکانی به وجود آمده و همواره تحت تأثیر فرآیندهای درونی و بیرونی (اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، محیطی-اکولوژی) در حال تغییر و تحول بوده‌اند.

مهم‌ترین راهکار ایمن‌سازی و پایدارسازی سکونت‌گاه‌های انسانی توسعه پایدار شهری است. امروزه توسعه پایدار فرآیند پیشرفته‌ای است که بدون کاهش توانایی نسل‌های آینده در برآوردن نیازهای‌شان، نیازهای نسل کنونی را تأمین می‌نماید، بر این اساس امروزه توسعه پایدار از بنیادی‌ترین موضوعات حقوق بین‌الملل محیط زیست به شمار می‌رود و بدون شک می‌توان از آن به عنوان اصلی‌ترین هدف تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل محیط زیست نام برد. توجه به توسعه پایدار به عنوان یک هدف، در تعداد زیادی از اسناد و معاهدات بین‌المللی در خصوص محیط زیست مورد توجه قرار گرفته است. بیانیه‌های ریو و استکهلم، دست‌یابی به توسعه پایدار را مستلزم حفاظت از محیط زیست عنوان نموده و دستورکاری برای توسعه نیز این دو مفهوم را از یکدیگر غیر قابل تفکیک دانسته است. (پورهاشمی، ۱۳۹۲: ۱۶۲-۱۶۵) بیانیه کنفرانس استکهلم (۱۹۷۲): این کنفرانس، مرحله مقدماتی در برقراری ارتباط بین حفاظت از محیط زیست و توسعه به عنوان مفهوم مرکزی توسعه پایدار بود. به عنوان مثال اصل ۸ اعلامیه استکهلم، توسعه اقتصادی و اجتماعی را برای تضمین محیط زیست مطلوب و برای زندگی و کار لازم دانسته و یا اصل ۹ باز هم بر ایجاد مشکلات زیست محیطی ناشی از کمی توسعه صحه گذارده است. اصل ۱۱ اعلامیه نیز مقرر

می‌دارد که سیاست‌های زیست‌محیطی در جهت بهبود باشد نه این که به صورتی معکوس بر توسعه بالقوه کنونی و آینده کشورهای در حال توسعه اثر بگذارد.

گزارش کمیسیون برون‌تلند (۱۹۸۷): این گزارش که به «آینده مشترک ما» معروف است، حاصل بیش از سه سال کار کمیسیون برون‌تلند است که در سال ۱۹۸۷ به تصویب مجمع عمومی رسیده است. در این قطعنامه تعریف معروف توسعه پایدار، تلاقی نیازهای حال بدون از یاد بردن نیازهای نسل آینده ذکر شده است. با تصویب این قطعنامه، توسعه پایدار، رسماً وارد ادبیات حقوقی بین‌المللی شد. این کمیسیون توسعه پایدار را این گونه تعریف نموده است: «نوعی از توسعه است که نیازهای نسل حاضر را برآورده کند، بی آنکه توانایی نسل آینده را برای برآورده کردن نیازهای خود تضعیف نماید.» (پورهاشمی، ۱۳۹۲: ۱۶۲-۱۶۵)

بیانیه اعلامیه ریو (۱۹۹۲): پس از پایان دهه ۱۹۸۰، کلید حل مسایل این دوره در حوزه‌ی حفاظت از محیط زیست «توسعه پایدار» بوده است. در طول مذاکرات کنفرانس‌های محیط‌زیست، کشورهای در حال توسعه توانستند با اجماع، حق توسعه را در اصل اعلامیه ریو بگنجانند؛ که بیان می‌دارد حق توسعه باید به نحوی اعمال شود که به طور مساوی نیازهای نسل کنونی و نسل‌های آینده را در زمینه توسعه و حفظ محیط زیست برآورده سازد. اما در عوض کشورهای توسعه یافته توانستند اجماعی در مورد اصل ۴ کسب کنند. لازم به ذکر است اصل ۴ اعلام می‌دارد، به منظور نیل به توسعه پایدار، فرآیند توسعه باید هماهنگ با حفاظت از محیط‌زیست باشد و نمی‌تواند جدا از آن در نظر گرفته شود. این دو اصل در واقع قلب اعلامیه ریو می‌باشند و لزوماً باید با هم در نظر گرفته شوند. اصل ۳ بسیار شبیه به تعریف توسعه پایدار در کمیسیون برون‌تلند است. اصل ۴ نیز محیط‌زیست را جزء تفکیک‌ناپذیر توسعه می‌داند. تنها تفاوت این دو اصل این است که تأکید اولی بیشتر بر توسعه و تأکید دومی بر محیط‌زیست می‌باشد.

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی و پژوهشی

حق مسکن مناسب از جمله مهم‌ترین حقوق بشر محسوب می‌گردد چراکه پیش شرط برخورداری از سایر حقوق بشر از جمله حقوق کار، بهداشت، امنیت خصوصی محسوب می‌گردد. اهمیت این حق تا آنجاست که در ماده ۲۵ میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی فرهنگی و سایر تعهدات نرم و سخت این امر را مورد توجه قرار دادند. گرچه موارد بسیاری پایداری سکونت‌گاه‌ها را دچار چالش می‌کند اما تغییرات اقلیمی را می‌توان از جمله مهم‌ترین و شدیدترین عاملی که سکونت‌گاه‌ها را تهدید می‌کند، نامید.

دولت‌ها در غالب کنوانسیون‌ها و تعهدات سخت و نرم موظف به کاهش و کنترل انتشار گازهای گلخانه‌ای و سازگاری سکونت‌گاه‌ها با تغییرات اقلیمی هستند. البته لازم به ذکر است که اندک بودن قدرت الزام‌آوری این تعهدات و بی‌توجهی دولت‌ها به مفاد آن‌ها و از همه مهم‌تر فقدان ضمانت اجرای کافی سبب می‌شود که این تعهدات جنبه نمادین به خود گرفته و اغلب کارساز نباشند. از یکسو کشورهای توسعه یافته مایل به تعیین سازگاری برای کاهش ندارند و از سوی دیگر کشورهای در حال توسعه با این عذر که عدم امکانات کافی برای کاهش اثرات

تغییرات اقلیمی و سازگاری با آن دارند، در این امر تعلل می‌کنند. اما به هر حال این نوع تعهدات گرچه از کمترین قوه قاهره برخوردارند اما می‌توانند در این راستا موثر باشند.

مقابله با تغییرات اقلیمی پیوندی ناگسستنی با سازگاری با پیامدهای آن دارد و باید تلاش شود علی‌الخصوص روند سازگاری قبل از وقوع حوادث طبیعی ناشی از تغییرات اقلیمی صورت گیرد. بویژه در کشورهای در حال توسعه که عمدتاً سازگاری به بعد از وقوع حوادث محدود می‌گردد.

طرح مسکن مهر از جمله طرح‌هایی است که به منظور تأمین مسکن برای قشر آسیب پذیر جامعه در نظر گرفته شده است. اما باید توجه داشت که پسوند مناسب بودن آن را به عنوان پسوند مورد تاکید میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از این نوع حق مدنظر داشت. چراکه مسکن امن و پایدار با سایر مولفه‌های شهرنشینی از جمله فاصله آن با محل کار و تحصیل افراد، خدمات بهداشتی و درمانی و زیباسازی و طراحی آن توسط ساکنان آن اماکن پیوندی نهادینه دارد. تعهدات دولت‌ها به مبانی حقوق بشری که در بحث ایمن سازی سکونت‌گاه‌ها با تعهدات محیط‌زیستی آنها عجین شده است، فاقد هرگونه ضمانت اجرا و قوهی قاهره‌ای است که بر انجام تعهدات آنها نظارت کند که این مورد مهم‌ترین ضعف در مدیریت چالش‌های حاصل از تغییرات اقلیمی بر ایمن سازی سکونت‌گاه‌هاست. بنابراین تنها از طریق همکاری همه جانبه دولت‌ها می‌توان به تحقق تعهدات محیط‌زیستی امید داشت.

راهکارهایی جهت برون رفت از معضلات تغییرات اقلیمی و ایمن و پایدارسازی سکونتگاه‌ها :

- ۱- با توجه به تغییرات اقلیمی و تأثیرات آن در عدم پایداری بسیاری از سکونت‌گاه‌ها در کشورهای در حال توسعه، سایر کشورهای توسعه یافته با انتقال تکنولوژی و فناوری به این کشورها، و در جهت تلاش برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و متناسب سازی سکونت‌گاه‌ها مساعدت نمایند.
- ۲- دولت‌ها با قرار دادن امکانات مورد نیاز در منطقه محل سکونت افراد امکان دستیابی به محل کار، مراکز خدماتی و بهداشتی را فراهم کند. و با مشارکت افراد سکونت‌گاه‌هایی امن و درخورشان و منزلت افراد تهیه نماید.
- ۳- دولت‌های جوامع در حال توسعه بکوشند به معاهدات محیط‌زیستی و حقوق بشری جامع عمل ببوشانند و از این طریق کمک‌های سایر کشورهای توسعه یافته را در جهت مقابله با تغییرات آب و هوایی و در نتیجه ارتقای سطح زندگی افراد قلمروی خویش، جذب نمایند.

منابع

- پورطاهری، مهدی؛ افتخاری، رکن‌الدین؛ و بدری، سید علی (۱۳۹۰). راهبردها و سیاست‌های توسعه کالبدی سکونت‌گاه‌های روستایی با تاکید بر تجربیات جهانی و ایران. تهران: انتشارات بنیاد مسکن انقلاب روستایی.
- پورطاهری، مهدی؛ و نقوی، محمدرضا (۱۳۹۱). توسعه کالبدی سکونت‌گاه‌های روستایی با رویکرد توسعه پایدار (مفاهیم، نظریه‌ها، راهبردها)، فصلنامه مسکن و محیط روستا، ۳۱(۱۲۷)، ۷۰-۵۳.

رحمانی فضلی عبدالرضا؛ و صادقی، مظفر(۱۳۹۳). الگوی خدمات‌رسانی روستایی کشاورزی مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات استان فارس، فصلنامه مدیریت شهری، ۱۳(۳۴)، ۲۵-۷.

رحیمی، محمد؛ و حیدریان، شیدا(۱۳۹۴). نقش برنامه ریزی شهری در ارتقای تاب‌آوری سکونتگاه‌های غیررسمی در خطر بلایا با تأکید بر شاخص‌های کالبدی، سومین کنگره بین‌المللی عمران معماری و توسعه شهری، ۹۹.

عباس‌زادگان، مصطفی(۱۳۸۸). توسعه پایدار شهری و مسکن مهر، نشریه منظر، ش ۲.

علیجانی، بهلول؛ و کاویانی، محمدرضا(۱۳۸۰). مبانی آب و هواشناسی. تهران: انتشارات سمت.

رضوانیان، محمدتقی؛ سعیدی‌فر، فرانک؛ و صالحی، منا(۱۳۹۲). طرح مسکن مهر و انطباق آن با اصول شهرسازی نوین، همایش ملی شهرسازی و معماری در گذر زمان.

بیگزاده، ابراهیم(۱۳۸۶). جای پای کمک‌های بشر دوستانه در مخاطرات طبیعی و سوانح صنعتی در حقوق بین‌الملل، سالنامه‌ی حقوق بین‌الملل تطبیقی، گنج دانش، ش ۲.

افراخته، حسن؛ و حجی‌پور، محمد(۱۳۹۴). اقتصاد سیاسی فضا و تعادل منطقه‌ای، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال چهارم، شماره ۴.

پورهایمی، سیدعباس؛ و ارغند(۱۳۹۲). کلیات حقوق بین‌الملل محیط زیست. تهران: نشر دادگستر.

علیزاده، امین؛ و کمالی، غلامعلی(۱۳۸۵). اثر تغییر اقلیم بر افزایش مصرف آب کشاورزی در دشت مشهد، تحقیقات جغرافیایی، ۶۵-۶۶.

غیور، حسنعلی؛ و مسعودیان، سید ابو الفضل(۱۳۷۶). اثر گرم شدن زمین بر چرخه آب در طبیعت، تحقیقات جغرافیایی، ش ۴۶.

خدیوی سهرابی، ت؛ اشرفی، د؛ و عبداللهی، م(۱۳۹۹). بررسی میزان تأثیرگذاری الزامات حقوقی بین‌المللی مرتبط با کنوانسیون مبارزه با تغییرات اقلیمی در عملکرد کشورها، فصلنامه علمی- پژوهشی جغرافیا(برنامه ریزی منطقه‌ای)، ش ۴، ۳۷۹-۳۹۵.

امینی، م؛ خسروی، م.ع؛ و خلجی، ع(۱۳۹۹). بررسی تأثیر توانمندسازی مناطق حاشیه‌نشین در افزایش سرمایه اجتماعی شهرستان پاکدشت، فصلنامه علمی- پژوهشی جغرافیا(برنامه ریزی منطقه‌ای)، ش ۴، ۶۱۰-۵۹۵.

کشاورز، ا.م؛ میرعباسی، ب؛ و کامرانی، ا(۱۴۰۰). نقش حقوق بین‌الملل در توسعه پایدار محیط‌زیست، فصلنامه علمی- پژوهشی جغرافیا(برنامه ریزی منطقه‌ای)، ش ۳، ۳۳۲-۳۱۵.

Schmidt, Jake(2015). paris climate agreement explained: what actions did countries commit to implement?, 2.

Evison, David(2015). India's climate pledge suggests significant emissions growth up to 2030.

Simon, d; McGregor, D; and Kwasi Nsiah-Gyabaah(2004), The changing urban-rural Ghana, Environment and Urbanization Vol 16, N 2.98-80.

Cohen, B.(2006). Urbanization in developing countries: Current trends, future projections, and key challenges for sustainability, Technology in Society 28, 63-80.

Edgar, Bill, Doherty, Joe, Meert, Henk(2002). Access to housing: homelessness and vulnerably in Europ, The policy press, P 17.

French foreign policy, climate and environment(2015). paris climate conference, cop 21.

Wynn, Gerard (2014). when will china's greenhouse gas emission level out?, climate home news.

<https://news.climate.columbia.edu>

<https://nrdc.org>

<https://climatechangenews.com>

<https://carbonbrief.org>

<https://diplomatie.gouv.fr>

